

«عدالت سیاسی» چه رهاوردی برای مردم دارد؟

## مهاریکه‌تازی قدرت



دکتر سیدکاظم سیدباقری

دکترای اندیشه‌سیاسی و دانشیار گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تحقق گام دوم انقلاب اسلامی، نیاز به راهبردها، راهکارها، قوانین، برنامه‌هاو آیین‌نامه‌های اجرایی متفاوت، سنجیده و دقیقی دارد و «عدالت» در این میان به عنوان یک راهبرد همیشگی، نقشی عمده بازی می‌کند. عدالت به معنای آن است که هرکس به حق شایسته و پایسته خود دست یابد و امور در جایگاه خود قرار گیرند: «هی اعطاء کل ذی حق من القوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له» (طباطبایی، المیزان، ج ۱ ص ۳۷۱)

«عدالت سیاسی» تخصیص حق مدارانه ارزش‌ها و امتیازات سیاسی است که به دستیابی شهروندان به حقوق شان می انجامد، به گونه‌ای که مناصب و فرصت‌های سیاسی به تناسب در اختیار آنان قرار می‌گیرد. با عدالت سیاسی، بستر «انتخاب شهروندان» فراهم و مسیر جامعه برای رسیدن به «حقوق سیاسی» گشوده می‌شود.
بااین نگره، در عدالت، بحث از توزیع برابر و استحقاق مدار خیر سیاسی و فرصت‌های برآمده از قدرت (۱) است. در این عدالت، تمامی افراد جامعه حق دارند تا در عرصه سیاست یاداره و تدبیر امور عمومی، حضور و مشارکت فعال داشته باشند، از حقوق برابر برخوردار باشند و بر مبنای استحقاق، وارد مناصب سیاسی شوند، به گونه‌ای که توازن اجتماعی در عرصه سیاست برقرار شود.



در اهمیت و ضرورت عدالت همین بس که مقام معظم رهبری بر این باور است که فلسفه وجودی نظام اسلامی و کارگزاران آن عدالت است. (مقام معظم رهبری، ۱۳/۳/۸۵) و همه شعارها مثل آزادی و استقلال، قیودی دارند و آنچه هیچ قیدی ندارد، عدالت است. عدالت به طور مطلق مورد نیاز و مورد مطالبه جامعه است. (مقام معظم رهبری؛ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) و هر برنامه اقتصادی، وقتی معتبر است که در مجموع به عدالت نزدیک باشد. (مقام معظم

**تمهید نظری**
تمهید روشی بحث را در دو ساحت «خط مشی‌گذاری» و «معیار‌گذاری» بی می‌گیریم، هر دو مرحله می‌تواند ما را در تحقق بخشی به اهداف گام دوم انقلاب اسلامی و نقش عدالت در آن یاری دهد:
۱. خط مشی‌گذاری

یکی از روش‌ها و رویکردهایی که به فهم و تحلیل وضع موجود و حرکت در جهت مطلوب یاری می‌رساند، رویکرد «خط مشی‌گذاری» (۲) است؛ رهیافتی که در آن، پژوهشگر و فهمنده دشواره‌های اجتماعی، با نگاهی فراتر، آینده‌گرا، آگاهانه و همه‌جانبه، موضوعات را بررسی و ارزیابی می‌کند. در این فراگرد، با وضعیت‌سنجی دقیق و سنجش‌گری آنچه هست، وضع موجود بازشناسی، ظرفیت‌سنجی و آسیب‌شناسی شده و چالش‌های اساسی آن بررسی می‌شود، سپس با توجه به توانمندی‌های روشی و بینشی، هر چه که مورد غفلت قرار گرفته است، راهبردها و خط‌ومشی‌های مطلوب و بایسته ترسیم می‌شود.

با برگرفتن این روش، می‌توان در راهبرد مورد نظر، هم «وضعیت موجود» را ترسیم کرد و هم نقشه راه را در جهت «موقعیت مطلوب» طراحی کرد. با این بررسی‌ها، مقتضیات جامعه، هنجارها، ناهنجاری‌ها، رفتارها و باورها مورد توجه قرار می‌گیرد تا بتوان در جهت‌الگویی بومی، اجرایی و عملیاتی گام برداشت، برای نمونه در حوزه عدالت سیاسی، باید تلاش کرد تا فهمی جامع‌از نظریه عدالت به دست آورد و برای عملیاتی کردن آن، راهکارها، قوانین و برنامه‌های دقیق طراحی کرد.

**الف. عدالت سیاسی و یاری به الگوی حکمرانی کارآمد**

حکمرانی، فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کابنست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به

به مباحث انتقادی عقلانیت «وبر» ی، جایگزین دیگری به نام عقلانیت فرهنگی ارائه می‌کند» (نوذری، ۱۳۸۶: ۲۵).

برخی عقلانی شدن سیاست را حاصل گسترش «فرهنگ گفت‌وگو» به جای زور و اجبار دانسته و این ویژگی را تنها در حوزه عمومی جامعه قابل تحقق می‌دانند. بنابراین هرچه عرضه عمومی گسترش یابد و عرصه قدرت در آن جذب شود، زمینه عقلانی شدن دولت و سیاست بیشتر فراهم می‌شود، البته در این مسیر باید هم روش و هم وسیله را عقلانی کرد که در این صورت مفهوم عقلانی کردن سیاست یعنی عقلانی کردن روش تسری دادن رابطه عینی عقلانی شدن وسیله و هدف بر حوزه سیاست است که این روند یک فرایند جمعی و چند ذهنی است، نه فردی و تک ذهنی. (امانیان، ۱۳۸۳: ۷۲).

آنگاه که عدالت در جامعه‌ای حضور یابد و راهبر قدرت و قدرتمندان شود، زمینه و فضا را برای گفت‌وگوی عقلانی اجتماعی فراهم می‌کند و در این تعاملات، تصمیم‌ها و قانونگذاری‌ها شکل معقول و مطلوب به خود می‌گیرد. در همین نگره مطلوب به خود می‌گیرد. در همین نگره است که زمینه برای همکاری و فعالیت نظام حزبی کارآمد فراهم می‌شود و احزاب می‌توانند آزادانه در راستای عدالت سیاسی، نقش مؤثر داشته باشند و به تدوین سیاست‌های عمومی یاری رسانند، روند انتقاد منصفانه از حکومت و نهادینه‌سازی نصیحت و خیرخواهی برای رهبران و کارگزاران نظام اسلامی را فراهم کنند تا زمینه‌چینی برای رقابت سالم سیاسی در جامعه شکل گیرد و افراد بدون تجربه و تخصص کافی، اجازه ورود به عرصه حاکمیت را نیابند. اینچنین است که جلوی یکه‌تازی قدرت گرفته می‌شود و جامعه مدنی و مطبوعات و نهادهای غیردولتی می‌توانند در جامعه و اعمال قدرت حضور داشته باشند.

**۲. معیار‌گذاری برای عدالت سیاسی**

یکی از معیارهای عدالت سیاسی را می‌توان قبل از کسب قدرت رصد کرد که در آن معیاری عمده چون برابری در فرصت‌ها و امتیازات مبتنی بر استحقاق برجسته است. به بیان مقام معظم رهبری، «مدیریت عادلانه» بر اساس مدیر عادل شکل می‌گیرد، استقرار عدالت، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۲۰) لذا آرمان و مطلوب آن است که مقامات مؤثر در سلسله مراتب حکومتی، تابع صلاحیت‌ها باشند و بر اساس شایستگی و استحقاق خود بتوانند هر سطحی از قدرت را به کف آورند.

یکی از دیگر معیارها مربوط به

هنگام اعمال قدرت است که در آن معیارهایی چون امکان مشارکت فعال شهروندان و بهره‌مندی از مزایای آن طرح می‌شود. مشارکت عمومی به معنای حضور داوطلبانه، رقابتی، آگاهانه و مشارکت فعال، امور مختلف قابل طرح است، از جمله آن‌که «بایستی عدالت آنچنان از طرف مردم، قشرها و بخصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی، چه بنده و چه هرکس دیگری که در جایی مسئول است، ناچار باشد، با همه‌چنین حوزه عمومی را به گونه‌ای هنجاری و از طریق بحث آزاد، مذاکره، مباحثه، استدلال و مواجه حل و فصل می‌کنند. وی پس از پرداختن

برخی احساس می‌کنند «عقل مدنی» تنها در اختیار نخبگان است و بقیه جامعه باید دنباله‌رو نخبگان باشند اما ما در بینش اسلامی معتقدیم که همه آحاد جامعه می‌توانند از این عقلانیت بهره مند شوند.
دموکراسی‌های امروزه همین وضعیت را دارند و قائلان به آن معتقدند همه آحاد مردم نمی‌توانند از «عقل مدنی» بهره مند باشند و این عقلانیت تنها اختصاص به نخبگان دارد.
نظام اسلامی تنها نظامی است که قادر به ایجاد دموکراسی واقعی است و «اعتماد به درک عمومی مردم» در آن وجود دارد

عقلانیت بهره‌مند شوند. این در واقع یک درک و معرفت ایمانی است و باور به اینکه این عقل چنین وضعیتی دارد و اینکه «جمهور» می‌تواند از آن بهره‌مند شود، ویژگی اسلام است.
تمدن‌های قبلی، یهودیت و مسیحیت نخبه‌گرا بودند، به‌اسم عموم جامعه حرف می‌زدند و صرفاً آنان را به بازی می‌گرفتند. دموکراسی‌های امروزه همین وضعیت را دارند و قائلان به آن معتقدند همه آحاد

▪ چهارشنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۰

▪ سال بیست و هشتم

▪ شماره ۷۸۶۸

بزم‌نگار

▪ در اهمیت و ضرورت عدالت همین بس که مقام معظم رهبری بر این باور است که فلسفه وجودی نظام اسلامی و کارگزاران آن «عدالت» است. همه شعارها مثل آزادی و استقلال، قیودی دارند و آنچه هیچ قیدی ندارد، عدالت است... و هر برنامه اقتصادی، وقتی معتبر است که در مجموع به عدالت نزدیک باشد. امروز در جامعه، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و کم درآمد است.

▪ آنگاه که عدالت در جامعه‌ای حضور یابد و راهبر قدرت و قدرتمندان شود، زمینه و فضا را برای گفت‌وگوی عقلانی اجتماعی فراهم می‌کند و در این تعاملات، تصمیم‌ها و قانونگذاری‌ها شکل معقول و مطلوب به خود می‌گیرد. در همین نگره است که زمینه برای همکاری و فعالیت نظام حزبی کارآمد فراهم می‌شود و احزاب می‌توانند آزادانه در راستای عدالت سیاسی، نقش مؤثر داشته باشند. اینچنین است که جلوی یکه‌تازی قدرت گرفته می‌شود و جامعه مدنی و مطبوعات و نهادهای غیردولتی می‌توانند در جامعه و اعمال قدرت حضور داشته باشند.

▪ در «حکمرانی» اعمال قدرت منشوری و منتشر است و از تراکم قدرت و انباشت آن در دست عده‌ای محدود کاسته می‌شود و روند آن در کنار دولت، به دست جامعه مدنی، احزاب، شهروندان، نهادهای و «سمن»‌ها انجام می‌شود. بنابراین مشارکت فعال و پویا در جامعه نهادینه می‌شود، پس بازیگران خارج از دایره دولت، به رسمیت شناخته می‌شوند و جامعه مدنی، ساختارها و نهادهای غیررسمی دارای نقش اثرگذار می‌شوند؛ همه این امور به «حکمرانی کارآمد» می‌انجامد.

## عقلانیت اجتماعی در فرایند گفت‌وگویی شکل می‌گیرد و این امر، نیازمند «پیدایش عرصه عمومی و متضمن کثرت و تعدد یا فرایند چند ذهنی است و جامعه عقلانی جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها، تردیدها و اختلاف‌های خود در حوزه روابط عادی اجتماعی و همچنین حوزه عمومی را به گونه‌ای هنجاری و از طریق بحث آزاد، مذاکره، مباحثه، استدلال و مواجه حل و فصل می‌کنند

گروه موافق و معاند مشخص است، اما مهم آن است که مخالفان برنامه‌ها و لوابیح و تصمیم‌گیری‌ها و منتقدان رفتار، گفتار و کردار کارگزاران و امور جاری کشور نیز بتوانند آزادانه و بدون تحمل هزینه، حرف و سخن خویش را بیان کنند و دولت اسلامی آزادی آنان را تضمین کند. در این فرایند می‌توان به تحقق بخشی از عدالت سیاسی در گام دوم انقلاب اسلامی امید داشت.

**بی‌نوشت‌ها:**

۱. هرچند در مفهوم محوری «سیاست» اجتماعی وجود ندارد، اما غالباً در این بحث، پنج محور اساسی حضور دارد که علم سیاست به آنها می‌پردازد و عبارتند از «علم دولت»، «علوم عمومی»، «منازعه و صلح»، «هدایت» و «قدرت». با این همه به نظر می‌رسد که همه این مفاهیم، به نحوی به ساحتی از قدرت، برگشت می‌کند، به گونه‌ای که هیچ‌کدام از آن چهارنای دیگر، بدون قدرت، ظهور و بروز نتوانند داشت.

۲. برای توضیح بیشتر ر.ک. سیدکاظم سیدباقری؛ فقه سیاسی، الگوی دانش بومی، ص ۱۳۶

معظم رهبری بر فراگیرشدن این گفتمان تأکید می‌گذارند که «مطالبه عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیط‌های جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسؤلی بخواهند».

معیار دیگر در این بخش، آزادی‌های همگانی (عقیده، بیان، قلم و...)؛ برابری همگان در قبال قانون و امکان دستیابی به امتیازات و ارزش‌های سیاسی متناسب با فعالیت شهروندان است.
مرحله سوم، معیارهای نظارت بر قدرت است که می‌توان آن را در حکمرانی شفاف و مسئولیت‌پذیر و رعایت حقوق شهروندان حتی منتقدان و مخالفان ردیابی کرد. می‌دانیم، موافقان آزادی دارند که تمجید کنند و برنامه‌ها را بیروارند و تشریح کنند، با این همه به نظر می‌رسد که همه این افراد نه چندان هزینه‌ای دارد و مشکلی هم برای حاکمیت به وجود نمی‌آورد. آزادی برای معاندان نیز معنی ندارد ،چون این‌گونه افراد به دنبال براندازی نظام اسلامی هستند و ساختار و قانون اساسی را قبول ندارند. تکلیف این دو

حوادث طبیعی، اجتماعی و سیاسی باعث می‌شود برنامه‌ریزی‌ها بهم بریزد. لذا تفاوت «عقل ایمانی» با «عقل کاذب» این است که عقل دینی مطمئن است که مدیریت همه حوادث به دست اونیست چون نمی‌توان همه حوادث را پیش‌بینی کرد. در این وضعیت، تنها باید به وظیفه عمل کنیم.

حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «ما مکلف به وظیفه‌ایم و نه ضامن نتیجه.» بر این اساس، درست است که ما عقلانیت و عقل اجتماعی داریم ولی باید وظیفه خود را تشخیص دهیم. عمل به وظیفه ملازمی با عقل اجتماعی دارد و عقل اجتماعی ما را به این نقطه می‌رساند که از وحی و احکام دینی برای عمل به وظایف خود بهره گیریم. این دو ویژگی در جوامعی که مبتنی بر جاهلیت مدرن بوده و مدنیت‌نما هستند، وجود ندارد. اما نظام اسلامی بر این دوپایه استوار است و این تفاوت ما را با جاهلیت مدرن نشان می‌دهد.



بگیرند. اما ما به استقبال آینده می‌رویم.

✳️ **مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر محمدعلی فتح‌اللهی است که در نشست «تبیین مفهوم جاهلیت مدرن» در مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد.**